مشروطه و مشروطه خواهی از دید عالم وارسته مرحوم شیخ محمد اسماعیل محلاتی

روحانی، جواد

پس از آن که به دستور محمد علی شاه قاجار،اولین مجلس‏ مشروطه به توپ بسته شد،رویکرد مردم و آزادی‏خواهان به مراجع‏ ساکن در عراق و استمداد از آنان،شکل بسیار جدی‏تری به خود گرفت و از آن‏جایی که مراجع تقلید مقیم نجف اشرف از جمله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی مورد توجه خاص مردم بودند،سیل نامه‏ها و تلگراف‏ها به سوی آنها سرازیر شد.

در بین علمای نجف،مجتهدی پرهیزکار،منزوی و گوشه‏گیر،به‏ دو از غوغای حوزه و مدرسه،در منزل خویش به تدریس و تعلیم‏ طلاب مستعد مشغول بود به نام محمد اسماعیل محلاتی.(محلات‏ 1269-نج 1343 ق)او در بین علما و مراجع نجف به زهد و دانش‏ و تقوی مشهور بود و آخوند خراسانی در نامه‏های خود،از او به‏ عنوان«شریعتمدار،صفوة الفقهاء و المجتهدین،ثقةالاسلام و المسلمین،العالم الکمل العادل،العالم العامل و الفقیه الکامل»یاد کرده است.

در شرایط دشوار استبداد صغیر که بیم آن می‏رود اساس مشروطه‏ برچیده شود و دیو استبداد بر جماعت آزادی‏خواه چیره گردد،محلاتی‏ با تألیف کتابی به نام«اللئالی المربوطه فی وجوب المشروطه»،سعی‏ در تشریح و تحکیم مبانی فکری و نظری مشروطه کرد و با این کار به یاری آزادی‏خواهان و مشروطه‏طلبان شتافت.

آنچه محلاتی را واداشت که در دفاع از مشروطه و مشروطه‏ خواهان دست به قلم ببرد،جوسازی‏های مشروعه‏طلبان بود که عوام‏ آگاه و مقدسان بی‏خبر را دچار تشویش خاطر کرده بود.این امر را از مقدمه‏ی مؤلف بر کتاب«اللئالی المربوطه فی وجوب المشروطه»به‏ خوبی می‏توان دریافت:«در هر صورت،غیرت دینیه و عرق اسلامی‏ شبهه‏ی وجوب عینی لعدم العلم بقیام من یکفیه،محرک شد که‏ فساد این خرافات به نحو واضحی ارائه شود تا موجب تشویش خیال‏ امثال آنها از ضعفاء العقول آن بلاد که از قوه‏ی متصرفه بالمره عاری‏ به صورت هر ناعقی متحرکند،نگردد.»

مؤلف کتاب،چنین افرادی را به دو گروه نادان ضعیف العقل و عالم سودجوی فرصت‏طلب تقسیم می‏کند و می‏نویسد:

«از طرف دیگر،غیرواحدی از جهله‏ی متنسکه و غیرمتنسکه به‏جدی تام و اهتمامی به غایت تمام،برخلاف آن‏[مشروطه‏خواهی‏] قیام و اقدام نمودند و به عذر نمودند و به عذر فساد اشتراط و منافات قوانین آن با قوانین شریعت مطهره...متمسک شدند و......زیاده از حد بر اضمحلال دین مبین که به قول آنها به سبب جریان قوانین‏ مشروطیت و تحدید حدود سلطنت حدوث یافته،افسوس خوردند و اگر چه بعضی از آنها از جهت ضعف عقل و قلت علم و جهل به حقیقت‏ امر،بدون غرض نفسانی اقدام به این امر نمودند لیکن از گوشه و کنار عبارات بعض دیگر از آنها به اوضح وجهی بروز داشت که....برای‏ آن هم مثل امثالش از آن نمد کلاهی بوده و از این که هرگونه مطلبی‏ در تحت میزان مضبوطی درآید،صرفه نمیبرد و ثمری نمیچیند،بدین‏ سبب تسویل نفسی او را واداشته که ندبه باطنیه خود را که در حقیقت‏ بر فوت منفعت دنیویه است،به اسم ندبه بر دین بلند کند....»

محلاتی در کتاب«اللئالی المربوطه فی وجوب المشروطه» حکومتها را در سه دسته جای میدهد؛حکومت صالحه‏ی امام معصوم‏ و سلطنت مطلقه‏ی استبدادیه و سلطنت مشروطه.او برترین نظام‏ سیاسی و حکومتی را سلطنت امام معصوم از خطا و هوای نفس‏ میداند و مینویسد:«فرقه‏ی محقه شیعه برآنند که امام بایست در قوه‏ی نظریه خالی از خطا و در قوه‏ی عملیه عاری از هوا باشد تاب ه‏ سبب خطای او در نظر و با هوا و هوس او در عمل،فسادی مترتب‏ نشود و در هیچ‏یک از این دو جهت که دو قائمه‏ی نظام کلّ‏اند،خللی‏ راه نیابد».

به نظر او چون در دوران غیبت امام عصر،دستیابی به این مهم‏ ممکن نیست باید میان بد و بدتر،بد را برگزید.وی نابسامانی‏های‏ اداری،اجتماعی،اقتصادی و سیاسی ایران را ناشی از سلطنت‏ مطلقه‏ی استبدادی میداند:«بر هیچ عاقل سایس مخفی نیست که‏ اصل العله و تمام السبب در این مفاسد،جز استبداد سلطنت،چیز دیگر نیست...مراد از سلطنت مطلقه‏ی مستبده و ملخص معنای آن‏ استیلای اراده‏ی شخصیه‏ی ملوکانه است بر تمام امور مملکت...به‏ هر نحو که شهوت و یا غضب او اقتضا کند...»

او پس از تشخیص و معرفی عامل اصلی مشکلات ایران،نجات‏ کشور و مردم را در محدوده سلطه‏ی پادشاه بر ارکان کشور و به بیان دیگر،برقراری سلطنت مشروطه ذکر میکند:«حالا باید ملاحظه‏ کرد که چاره‏ی این مفاسد،چه و دفع این امراض به چه باشد.ملاک‏ فساد و خرابی که اطلاق شهوات سلطنت و خودسری و لاحدی ادارات‏ دولت شد،باید اطلاق آن را تقیید کنی و لاحدی او را تحدید نمایی به‏ حدود و قیودی که موجب رفع این سموم و دفع این مضرات باشد و نظاری هم از خود ملت بر آن حدود و قیود بگماری که حارس و حافظ آنها بوده باشند که رجال دولتی نتوانند از آن تعدی و تخطی کنند».

یکی از مهم‏ترین ارکان مشروطه،مجلس قانون‏گذاری‏ست و بدون آن،سلطنت مطلقه،مهار نمی‏شود و مردم در سرنوشت خود و آبادانی مملکت،شریک نمی‏شوند و در نتیجه،تباهی‏ها اصلاح‏ نمیگردد:«این مطلب صورت نگیرد مگر به این که جهات تمدن‏ مملکت و فواید کلیه و منافع ملکیه که صلاح در آنها موجب عمران‏ و فساد در آنها باعث خرابی مملکت است به سکته‏ی مملکت رجوع‏ کند.به این معنا که برای سیاسیون از آنها،حق نظر کردن در مصالح‏ و مفاسد عامه‏ی ملکیه ثابت باشد که هیچ‏یک از آنها بدون تصویب‏ و تصدیق آنها صورت وقوع پیدا نکند....

نوع ملت و سکنه‏ی مملکت،عقلایی را که از قوانین ملک‏داری و سیاسات بین‏الدول و سایر جهات سیاسیه که موجب دفع مضار و جلب‏ منافع ملکیه است،باخبرت و با بصیر تند و به علاوه به فضیلت ملکه‏ی‏ انصاف و بی‏غرضی آراسته و پیراسته‏اند،تعیین و برقرار کنند».

به عقیده‏ی محلاتی با استقرار نظام مشروطه و اجرای قانون،هم‏ شرایط داخلی کشور رو به بهبود میگذارد و هم اقتدار از دست‏رفته‏ی‏ دولت در عرصه‏ی جهانی،اصلاح میشود:«هرگاه تمام جهات‏ سیاسیه‏ی مملکت و آن‏چه که دخیل است در بقای ملک و ملت،به‏ قانونی متقن به صوابدید امنای ملت،محدود و مقید شود و سلطنت‏ که قوه‏ی مجریه است جمیع آن قوانین را در موقع اجرا گذارد و حواشی و اعضای خود را به اجرای آنها و اعمال هر یک در مقام خود وادارد و نظار ملت هم بدون خیانت،از اطراف به آنها نگران باشند،در این صورت امید است که به مشیت خداوندی و توجه صاحب غیبی ما (عج)،مملکت رو به اصلاح گذارده مصالح داخلیه‏ی آن احراز و مضار خارجه از آن دفع و رفع شود».

بنابر رأی این عالم برجسته،تأیید سلطنت مشروطه در مقابل‏ سلطنت استبدادی،امری بدیهی است و نیاز به تأمل و نظر ندارد و هر که از نعمت عقل سلیم بهره‏مند باشد،رأی به مشروطیت سلطنت‏ میدهد:«اگر شخصی فی الجمله چشم بصیرتی داشته باشد و از قوه‏ی متصرفه بی‏بهره نباشد و از اطراف مطالب،قدری باخبر باشد و اغراض خارجه‏ی نفسانیه را کنار بگذارد،البته این مطالب در نظر او از ابده بدیهیات شمرده می‏شود».

با بهره‏گیری از مقدمات بالا که مفاسد ناشی از حکومت‏ استبدادی و فواید استقرار نظام مشروطه را روشن میکند،مؤلف کتاب، تلاش در راه ایجاد مشروطیت را وظیفه‏ی شرعی همه‏ی مردم میداند و کارشکنی در آن را به عنوان مصداق بارز محاربه با امام عصر برمی‏شمرد:«سعی نمودن در استحکام این اساس از جهت اولی‏[محدود کردن ظلم حاکن جایر]داخل است در عنوان نهی از منکر و اقامه‏ی معروف و از جهت ثانیه‏[جلوگیری از نفوذ کافران و کشورهای‏ بیگانه‏]داخل است در عنوان مدافعه با کفار د راعتلای علم اسلام و حفظ مملکت مسلمین از تهاجم اهل کفر.بنابراین بر همه‏ی افراد مسلمین،هرکس به قدر قوت و قدرت او،سعی و کوشش در تأسیس‏ این اساس و تشیید این مبانی،لازم است و مماطله و مسامحه از آن، مسامحه در اطاعت این دو امر واجب خواهد بود و نعوذ بالله سعی در تخریب و تضعیف آن،تقویت ظلام است و لاحدی ظلم آنها از جهت‏ اولی و تقویت کفار است در محو آثار اسلام از جهت ثانیه.و این است‏ معنای آن که گفته میشود معارضه با مجلس شورای ملی،در حد محاربه با امام زمان(عج)می‏باشد.چرا که مبنای آن بر تحدید ظلم و دفع کفر است،پس مدافعه با او کردن و در مقام قلع و قمع آن برآمدن، تثبیت ظلم و تسلیط کفار بر ممالک اسلامیه خواهد بود.

آقا شیخ محمد اسماعیل محلاتی در دو سوم پایانی کتاب خود به‏ تقریر شکوک مخالفان در باب حکومت مشروطه و شبهات آنان در مخالفت این نظام با اساس دین و دیانت میپردازد و یک‏به‏یک به آنها پاسخ میدهد و سستی آن سخنان را عالمانه بر آفتاب می‏افکند.برای‏ نمونه سه مورد از آنها را ذکر میکنم:

شک اول،روی کردن به علوم و صنایع و اختراعات غربی موجب‏ از دست رفتن دین میشود.

جواب....درست بفهمیم که صنعت یاد گرفتن،ربطی به مذهب‏ ندارد و مجرد این که اختراف صنعتی از کافری شد،باعث این نشود که‏ اهل اسلام با وجود احتیاج به آن،چشم از آن بپوشند و الا کثیری از صنایع که فعلا در بلاد اسلام شیوع دارد،مبدأش از کفار بوده بلکه‏ مسلمین عرب در اول امر از همه‏ی صنایع لازمه‏ی مفیده،بالمره‏ عاری و بی‏خبر بودند،کم‏کم از خارج در آنها نفوذ کرد.

شک دوم،در مجلس شورا میتواند اکثریت آرا موجب وضع‏ قوانینی شود که مخالف احکام شرعی و حرام و حلال شود و مردم باید از آنها اطاعت کنند.

جواب.نمیدانم عمدا دروغ میگویی یا از شدت بی‏خبری است که‏ تعیین حکم شرعی و تکلیف الهی را به مجلس و اهل مجلس نسبت‏ میدهی.عزیز من عقد مجلس در هر بلدی برای نظارت امنای ملت‏ است در اشغال حکومت چه مالیه چه عسکریه.و نیز در کلیات امور سیاسیه که راجع است به نظام مملکت و آبادی آن و.......و پر واضح است که این امور و امثال آن راجع است به مصالح دنیویه و دخلی به امور دینیه ندارد و علم و جهل به احکام شرعیه را در آن‏ مدخلیتی نیست.

شک چهارم،مجلس شورا مردم را از اطاعت علما که روحانیون‏ مذهب اسلام‏اند منصرف خواهد کرد.

جواب.اطاعت علما به حکم شریعت حقه‏ی اسلامیه در دو مقام‏ واجب است؛یکی در احکام کلیه‏ی شرعیه که باید عامی به عالم رجوع‏ کند.